

## دارالفنون

• انور خاندی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تهران



■ مدرسه دارالفنون

■ ناصر یازوکی

■ تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۳۲

### درآمد

فکر تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون در آن زمان تحول عمیقی در سرنوشت فرهنگی، نظامی و علمی جامعه ایران برجای نهاد. چه، این مدرسه علاوه بر گشودن دریچه‌های نوین علم و دانش برای مردم، خود پایه و اساسی جهت روشمند نمودن و نظام‌مند ساختن تشکیلات علمی-فرهنگی کشور، به شیوه‌های متداول در جوامع پیشرفته‌ی اروپایی شد. از این رو، این فهم در ایران غالب شد که وجود مدارس و نظام‌های منظم اداری، علمی، فرهنگی، نظامی و... زمینه‌ساز توسعه امور و بهنجار ساختن فعالیت‌ها می‌شود و نظم اجتماعی نیز باید مبتنی بر کارایی، مطلوبیت و بهره‌مندی از توانمندی‌ها و تخصص‌ها بنا شود. بدین جهت، می‌بایست اصول کلی این فرهنگ را در مدارس و دانشگاه‌ها آموخت و نه نزد پدران و اقوام. ملاحظاتی مزبور از جمله دلایل وجودی اندیشه‌ی ایجاد و تشکیل مدرسه‌ی دارالفنون شد.

دارالفنون در واقع، تقلیدی از دارالفنون عثمانی بود که امیرکبیر توجه خاصی به اداره و پیشرفت کارهای آن در نظر داشت و اثرات آن را به خوبی در جامعه‌ی عثمانی و به هنگام حضور در آن کشور دریافته بود. به همین دلیل، این طرح را ضمن تدوین و تبیین، در ایران به مرحله‌ی اجرا درآورد. این اقدام که برخاسته از گفتمان نظری و کارکردی امیر و هم‌چنین، برخی از ضروریات جامعه‌ی ایرانی آن زمان بود، تحولات ژرف سیاسی، اجتماعی و علمی و فرهنگی را در کشور برجای نهاد.

اجرای طرح تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون، که بیش از سه سال به طول انجامید، شاید بزرگ‌ترین کار ویژه‌ی حکمرانی قاجاریه در ایران عصر امیرکبیر بود که خود موجبات پایه‌گذاری نظام آموزشی و دانشگاهی نوین را سبب شد و از این رو است که از امیرکبیر به‌عنوان بنیانگذار آموزش عالی ایران یاد می‌شود.<sup>۱</sup> بنابراین، مدرسه دارالفنون نقطه عطفی در تعلیم و تربیت کشور بود و بر امور فرهنگی و آموزشی تحول شگرفی بر جای نهاد و مدارس دیگر به‌نوعی از شیوه و روش آن الگو گرفتند.

### معرفی کتاب

کتاب<sup>۲</sup>، یا به عبارت دیگر، کتابچه از یک مقدمه، هشت بخش و معرفی منابع در ۳۰ صفحه توسط ناصر یازوکی به نگارش درآمده است.

مؤلف در مقدمه‌ی اثر، مدرسه‌ی دارالفنون را از دو منظر شایان توجه و شایسته‌ی حفاظت، مراقبت و احیا می‌داند: «نخست این که مدرسه‌ی دارالفنون خاستگاه شکل‌گیری آموزش‌های نوین در ایران است که امروزه وزارت‌خانه‌هایی نظیر آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری، و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ده‌ها دانشگاه و مرکز آموزش عالی دیگر متولی آن هستند. دوم؛ آن که احداث و بهره‌برداری از مدرسه‌ی دارالفنون زمینه‌ی پیدایش جریانی در کشور شد که در تاریخ گذشته‌ی این سرزمین کم‌سابقه بود و مسیر پیشرفت و توسعه نسبی علمی و آموزشی ایران را فراهم کرد. هرچند، وجود حاکمان خودکامه که دانش آن‌ها بسیار اندک بود، مجال و امکان شکوفایی کامل را از مدرسه دارالفنون و فعالیت‌های آتی آن سلب می‌کرد.» (صص ۱-۲)

عنوان قسمت اول اثر «اعزام محصل به خارج از کشور در دوره‌ی قاجار» است. مؤلف در این قسمت با اشاره به عدم آشنایی محصلان ایرانی با علوم جدید و نیز پیشرفت اروپایی‌ها پس از رنسانس و انقلاب صنعتی در طی سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی در علوم جدید و دیگر زمینه‌ها، می‌نویسد: «این امر موجب شد تا کشورهای نظیر ایران برای جبران عقب‌ماندگی علم خود به تکاپو افتاده و به فکر چاره‌اندیشی باشند.» (صص ۲-۳) وی نقطه‌ی اوج این عقب‌ماندگی و نیاز را در شکست‌های ایران از روسیه در طی دو جنگ و تحمیل عهدنامه‌های گلستان (۱۲۲۸ق) و ترکمانچای (۱۲۴۳ق) می‌داند و برای جبران این عقب‌ماندگی تلاش‌های عباس میرزا در زمینه‌ی اعزام محصلین به اروپا برای فراگیری علوم جدید دانسته و آن را به تصویر می‌کشد. (صص ۳-۴)

«پیشینه‌ی احداث مدارس نوین در ایران» عنوان قسمت بعدی اثر است. در این قسمت نویسنده به تأسیس مدارس نوین به سبک اروپایی، که قبل از احداث دارالفنون در ایران ساخته شده بودند، اشاره می‌کند. این مدارس عبارت بودند از: (۱) مدرسه‌ای که کشیشی امریکایی به نام «پرکینز» در شهر اورمیه در سال ۱۲۵۴

ق تأسیس کرد؛ ۲) مدرسه‌ای که «اوژن بوره» کشیش فرانسوی در سال ۱۲۵۵ ق در تبریز تأسیس کرد؛ ۳) مدرسه‌ای که «تتوفان» کشیش فرانسوی در ارومیه تأسیس نمود. (صص ۶۵-۶۷)

عنوان قسمت سوم «فکر ایجاد مدرسه‌ی دارالفنون» است. مؤلف در این قسمت، ضمن اشاره به عوامل زمینه‌ساز در تفکر امیر کبیر، مبنی بر اندیشه‌ی ترقی و فکر ایجاد مدرسه‌ی علوم جدید در ایران، نظیر دیدار وی از دو کشور روسیه و عثمانی و مشاهده‌ی آثار پیشرفت و نهادها و مؤسسات آن‌ها، برخی از اهداف امیر کبیر از تأسیس مدرسه‌ی علوم جدید یا دارالفنون چنین برمی‌شمارد: ۱) تربیت و تعلیم افراد دانا و متخصص برای کشور؛ ۲) سامان بخشیدن به ارتش از طریق تربیت نیروی ماهر؛ ۳) تغییر شیوه و روش آموزش‌های سنتی و پرورش انسان‌هایی که با علوم جدید آشنا باشند؛ ۴) فراهم نمودن شرایط لازم برای تربیت مدیران آگاه و مستقل در آینده (صص ۶۷-۷۰)

عنوان قسمت چهارم «چگونگی احداث دارالفنون» است. نویسنده در این قسمت به چگونگی احداث این مدرسه و مکان و موقعیتش پرداخته و از نقشه‌هایی که در سال‌های بعد، از تهران ترسیم شده و موقعیت مدرسه در آن‌ها لحاظ شده است، ذکری به میان می‌آورد. (صص ۹۸-۹۹) وی با استناد به نامه‌ها و نوشته‌های برجمانده از امیر کبیر و مندرجات روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه و اسناد مکتوب دیگر در دوره‌ی ناصر، معتقد است که: «در ابتدا نام خاصی برای این واحد آموزشی در نظر نگرفته بودند و از این بنا با عناوینی نظیر مدرسه، مدرسه‌ی جدید، مکتب‌خانه‌ی پادشاهی، معلم‌خانه و مدرسه‌ی نظامیه یاد شده است... نام دارالفنون برای اولین بار در شماره‌ی سوم روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه در ماه صفر سال ۱۲۶۸ ق آورده شده که تقریباً معادل «مدرسه پلی‌تکنیک» غربی‌هاست و از آن به بعد، از این عنوان برای نامیدن مدرسه استفاده شده است.» (ص ۱۰)

«اجزا و قسمت‌های مختلف مدرسه‌ی دارالفنون» عنوان قسمت پنجم است. مؤلف در آغاز این قسمت، می‌نویسد: «با توجه به آنچه از نوشته‌های تاریخی برمی‌آید، امیر کبیر دارالفنون را فراتر و بزرگ‌تر از آنچه مد نظر حکومت قاجار بود، طراحی و احداث کرد.» (ص ۱۰) نویسنده در ادامه به اجزا و قسمت‌های مختلف این مدرسه نظیر حیاط مدرسه، اتاق‌ها، ایوان‌ها، تالارها و... و توصیف آن‌ها با ذکر مطالبی از آثار افرادی چون آدمیت، یغمایی و محبوبی اردکانی می‌پردازد. (صص ۱۰-۱۴)

عنوان فصل بعدی «افتتاح مدرسه‌ی دارالفنون» است. نویسنده در این قسمت در آغاز به مسائلی نظیر آغاز مدرسه، احداث مدرسه و استخدام معلمان اتریشی به دستور امیر کبیر توسط جان داودخان، و سپس افتتاح و گشایش مدرسه از زبان اعتمادالسلطنه می‌پردازد. (صص ۱۴-۱۵) وی در ادامه، با اشاره به تعداد شاگردان و معلمان مدرسه در سال تأسیس (۱۲۶۸ق)، و علاقه‌ی ناصرالدین شاه به این مدرسه، از بی‌اثر گذاردن مدرسه توسط عده‌ای سخن می‌راند: «برای بی‌اثر گذاردن مدرسه دو راه انتخاب شد: یکی آوردن افسران شورشی ایتالیایی در مقابل معلمان اتریشی و دیگر توأم کردن سیاست با تدریس، یا به عبارت واضح‌تر، ترسانیدن شاه از مدرسه و اهل مدرسه. این اقدام با جهت‌دهی سیاسی به دانش‌آموزان مدرسه پس گرفته شد.» (صص ۱۶-۱۷) عنوان قسمت بعدی «نحوه‌ی عملکرد دارالفنون در بدو تأسیس» است. مؤلف در این قسمت، به‌صورت بسیار موجز و مختصر، مطالبی درمورد چگونگی انتخاب محصلان، ناظم مدرسه، معلمان، خدمتکاران، ساعات کار مدرسه، نحوه‌ی برگزاری امتحانات، غذا و پوشاک محصلان، حقوق استادان و... آورده است. (صص ۲۰-۲۱)

عنوان قسمت هشتم «دارالفنون در بافت شهر و ویژگی‌های معماری آن» است. نویسنده در آغاز، از طراح، طرح، شیوه‌ی طرح، ترکیب و مصالح احداث مدرسه

در دارالفنون در زمان امیر کبیر، اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. اما در ادامه، با اشاره به کاوش‌های باستان‌شناسی که در سال ۱۳۸۵ زیر نظر خود وی صورت گرفته، از مأموریت خود به مرمت و اصلاح بنای مدرسه‌ی دارالفنون خبر می‌دهد. وی تغییراتی در بنا و ساختمان مدرسه انجام داد که مؤلف به طور مختصر بدان اشاره می‌کند. (صص ۲۲-۲۷) در ادامه، وی با اشاره به تأسیس مدرسه‌ی نظیر مدرسه‌ی علوم سیاسی، مدرسه‌ی فلاح‌نظری، دارالمعلمین مرکزی و دانشگاه تهران، در پایان می‌نویسد: «بدین ترتیب دارالفنون که زمانی نخستین مدرسه‌ی عالی کشور به شمار می‌رفت، به تدریج با از دست دادن اهمیت و اعتبار گذشته به صورت دبیرستان به کار خود ادامه داد و پس از مدتی که به صورت ساختمانی متروکه درآمده بود، هم اکنون در دست بازسازی قرار دارد.» (صص ۲۸-۲۹)

#### نقد و نظر

اثر حاضر که به صورت کتابچه‌ای با عنوان «مدرسه‌ی دارالفنون» منتشر شده، از مجموعه کتاب‌هایی است که سازمان زیباسازی شهر تهران، با مشارکت دفتر پژوهش‌های فرهنگی با عنوان «تهران پژوهی» (تهران شناسی) در مورد اماکن و آثار تاریخی و باستانی شهر تهران به منظور آگاهی و شناخت شهروندان تهرانی از این اماکن منتشر کرده است، لذا از آن‌جا که این اثر برای آگاهی و استفاده عموم و نه اهل فن نوشته شده است، به زبان ساده و روان و قابل فهم به نگارش درآمده و به‌ندرت دارای تحلیل بوده و بیشتر اثری توصیفی و دارای اطلاعاتی عمومی در مورد مدرسه‌ی دارالفنون است.

اما این خلاصه و مختصر بودن کتاب به پژوهش موردنظر خلل وارد می‌کند، از این رو، نکاتی چند در مورد این اثر ضروری به نظر می‌رسد که پرداختن به آن خالی از لطف نیست:

– مؤلف در این اثر می‌توانست نام عده‌ای از معلمان و اساتید خارجی و به‌ویژه ایرانی را که در این مدرسه به تدریس و آموزش اشتغال داشتند، ذکر کند و خواننده را تا حدودی با این شخصیت‌ها آشنا کرده و نیز از دانش‌آموختگان معروف این مدرسه یادی کرده و نام عده‌ای از آن‌ها را برمی‌شمرد.

– ذکر اطلاعاتی مختصر در مورد تشکیلات اداری و سازمان مدرسه‌ی دارالفنون و نیز مواد درسی، در این اثر کاملاً خالی است و نویسنده می‌توانست آن را مورد توجه قرار دهد.

– ذکر برخی از آثار و نتایج تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون در حوزه‌ی فرهنگ، آموزش، اجتماع و... یابین دوره‌ها از موارد دیگری است که نویسنده بدان توجه نکرده و اگر این امر صورت می‌گرفت، بر غنای اثر می‌افزود.

سازمان زیباسازی شهر تهران، با انتشار سلسله کتابچه‌هایی در مورد آثار و اماکن تاریخی و باستانی شهر تهران، گام مفید و ارزشمندی در امر توجه و آگاهی بیشتر مردم به این اثر برداشته و امید است که نه‌تنها در شهر تهران، بلکه در همه شهرستان‌های کشور که آثار ارزشمند و گرانبه‌ای تاریخی و باستانی وجود دارد، این روند تداوم داشته باشد و هموطنانمان را هرچه بیشتر در توجه به آثار فرهنگ و تمدن سرزمین کهن ایران مشارکت داده و آن‌ها را در مورد ارزشمندی تاریخ فرهنگ و تمدنشان آگاه کنند.

#### پی‌نوشت

- ۱- هانسیان، احمد (ایرج)؛ تحولات فرهنگی ایران در دوره‌ی قاجاریه و مدرسه‌ی دارالفنون، تهران، مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی سحابه، ۱۳۶۹، صص ۹۱-۹۲.
- ۲- پازوکی، ناصر؛ مدرسه‌ی دارالفنون، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۸.